



مارتین لوتر (Martin Luther)

در این نوبت از معرفی مشاهیر تاریخ کلیسا به زندگی مارتین لوتر (Martin Luther) خواهیم پرداخت.

مارتین لوتر در ۱۰ نوامبر ۱۴۸۳ میلادی در ایزلبن (Eisleben) در امپراطوری مقدس روم - در جایی که امروز آلمان شرقی است - از دهقانان متولد شد. بلافاصله پس از تولد لوتر، خانواده او از ایزلبن به منسفلد (Mansfeld) نقل مکان کردند. پدرش یک معدنچی نسبتاً موفق و منسفلد یک شهر معدنی بزرگتر بود. پدر لوتر می دانست که کار معدن شغلی دوره‌ای است، و او می خواست امنیت بیشتری برای آینده پسرش داشته باشد. هانس لوتر تصمیم گرفت که هر کاری لازم است انجام دهد تا ببیند مارتین می تواند وکیل شود. در سال ۱۵۰۵، به نظر می رسید که نقشه‌های پدر لوتر سرانجام در شرف تحقق است. پسرش در آستانه وکالت بود. اما نقشه‌ها با طوفان رعد و برق و نذر خنثی شد.

در ژوئیه سال ۱۵۰۵ میلادی، مارتین در یک رعد و برق وحشتناک گرفتار شد. از ترس این که بمیرد، نذر کرد: "من را نجات بده، سنت آنا، و من راهب خواهم شد." آنا نام مادر مریم باکره و در تفکر آن زمان حامی قدیس معدنچیان بود. در ۱۷ ژوئیه لوتر وارد صومعه آگوستینیان (Augustinerkloster) در ارفورت (Erfurt) شد.

تصمیم برای ورود به صومعه تصمیم سختی بود. مارتین می دانست که پدر و مادرش را به شدت ناامید خواهد کرد اما او می دانست که باید به وعده‌ای که به خدا داده بود، عمل کند. او نسبت به نجات خود احساس متزلزل و نامطمئنی داشت. و با این که خود را وقف زندگی راهبانه کرد اما باز این نیز کمکی به او نکرد. پس مربی اش او را راهنمایی کرد که برای به دست آوردن این اطمینان تنها به مسیح بیاندیشد با این وجود این نگرانی همچنان با او بود.

در سال ۱۵۱۳ میلادی، او اولین سخنرانی خود را در مورد مزامیر آغاز کرد. در این سخنرانیها، نقد لوتر از جهان الهیاتی پیرامونش شکل می گیرد. بعدها، در سخنرانی مربوط به رساله پولس به رومیان این نقد بیشتر به چشم می خورد. در خلال این سخنرانیها بود که لوتر سرانجام به آن اطمینانی که سالها به دنبالش بود دست پیدا کرد؛ کشفی که

زندگی لوتر و در نهایت مسیر تاریخ کلیسا و تاریخ اروپا را تغییر داد. پولس در رومیان دربارهٔ عدالت خدا می‌نویسد. لوتر همیشه این اصطلاح را به این معنی می‌دانست که خدا یک قاضی عادل است که عدالت انسانی را می‌طلبد. اما اکنون، لوتر عدالت را به عنوان هدیهٔ فیض خدا می‌دانست. او آموزهٔ عادل شمرده شدن را تنها با فیض یافت. شادی این کشف او را به آتش کشید.

در سال ۱۵۱۷ میلادی، او برگه‌ای ۹۵ ماده‌ای را برای بحث بر سر در کلیسای دانشگاه کوبید. این ۹۵ ماده انتقادی ویرانگر از فروش آمرزش نامه‌ها توسط کلیسا را بیان می‌کند و اصل نجات را تنها از طریق فیض نشان می‌دهد. لوتر همچنین نسخه‌ای از این تزه را برای اسقف اعظم آلبرت ماینز (Albert of Mainz) فرستاد و از او خواست که به فروش آمرزش نامه‌ها پایان دهد. در روم، کاردینال‌ها تزه‌های لوتر را حمله‌ای به قدرت پاپ می‌دانستند.

در سال ۱۵۱۸ میلادی در جلسه‌ای در هایدلبرگ، لوتر مواضع خود را با دقت بیشتری بیان کرد. پس از نشست هایدلبرگ در اکتبر ۱۵۱۸ میلادی، کاردینال توماس کایتان (Thomas Cajetan) نماینده پاپ، به لوتر گفت که از مواضع خود صرف نظر کند. لوتر اظهار داشت که نمی‌تواند حرف خود را پس بگیرد، مگر این که اشتباهاتش با توسل به "کتاب مقدس و عقل سلیم" به او نشان داده شود. هر چه زمان می‌گذشت لوتر بیشتر به اختلاف نظر خود با کلیسای سنتی پی برد ولی هیچگاه به جدایی از کلیسا نیندیشید.

در سال ۱۵۱۷ میلادی (احتمالاً در ماه اکتبر)، طبق رسوم دانشگاهی آن دوره، به منظور ایجاد بحث، اعلامیه‌ای مبنی بر ۹۵ تزه در زمینه کاربرد دریافت مالیات از طرف کلیسا و نقش پاپ، صادر کرد. این اعلامیه که در افکار عمومی با اقبال و طرفداری از لوتر همراه بود، آغاز جنبش رفورماسیون محسوب می‌شود. کلیسای روم، لوتر را کافر اعلام کرد و خواهان تحویل وی به روم و مجازاتش شد.

فریدریک سوم (Frederick III) ، حاکم ساکسونی با سیاست بی طرفانه‌ای موفق شد که محاکمه و بازجویی لوتر را از روم به آگسبورگ منتقل کند و لوتر توسط نمایندهٔ پاپ، اسقف توماس کایتان بازجویی شد. لوتر از پس گرفتن نظرات خود سر باز زد و بازجویی بدون نتیجه ماند. حکمران نیز از تحویل لوتر به کلیسای روم خودداری نمود.

در مباحثه عقیدتی که در لایپزیک بین لوتر و استاد الهیات و مفسر انجیل یوهان ایک (Johann Eck) صورت گرفت او معصومیت پاپ را زیر سؤال برد. در حالی که ایک، یک دین پژوه و مناظره‌گر کاتولیک، برای دفاع از اعتقادات کلیسای کاتولیک بود لوتر به دنبال اصلاح کلیسا بود. ایک تلاش کرد که با استناد به نظرات لوتر، به ویژه در مورد مسئله برتری پاپ، او را با یان هوس (Jan Hus)، پرورش یافتهٔ اهل بوهم که در دورهٔ قرون وسطی برای برخورد با فساد در کلیسا مبارزه می‌کرد، مقایسه کند. این مقایسه برای مخاطبان لایپزیک که دانشگاه آن جا توسط پناهندگانی از دانشگاه پراگ که تحت تأثیر هوس، تأسیس شده بود، شوکه کننده بود.

لوتر ابتدا این اتهام را رد کرد، اما با اظهارات بعدی خود به نوعی اعتراف کرد که شوراهاى عمومى، مانند شورای کنستانس، ممکن است در اشتباه باشند و این امر می‌تواند به عنوان زمینه‌ای برای اعتراضات و اصلاحات دینی باشد. این اعتراف لوتر، موجب نقص در اعتقادات و نقد لوتر شد و ایک در آن جا اذعان کرد که موفق شده است که باورهای واقعی لوتر را فاش کند.

پاسخ شورای کلیسایی به گردنکشی لوتر، مصوبهٔ پاپ و حکم تبعید وی بود که او به جای رعایت مهلت شصت روزه، به نجیب‌زادگان مسیحی آلمان نامه ارسال کرد و مصوبهٔ پاپ را در برابر دروازهٔ شهر ویتنبرگ همراه با رسالات احکام شرعی به آتش کشید. با این عمل، جدایی لوتر از کلیسای رومی مسجّل گردید.

سرانجام در شهر آخن (Aachen) به تاریخ ۲۳ اکتبر ۱۵۲۰ میلادی، به لوتر اجازه داده شد که به منظور رعایت سلسله مراتب سلطنتی و دریافت مصونیت سیاسی، در مجلس حکومتی شهر ورمز برای پاسخگویی به جرایمش، حاضر شود. در دو جلسهٔ متوالی،

مارتین لوتر از مواضع خود به ویژه در ارتباط با "رسالات اصلاحاتی"، نامه سرگشاده به "نجیب‌زادگان مسیحی ملت آلمان" و تشبیه مسؤولان کلیسای روم به زندانبانان و نظری آزادی یک انسان مسیحی"، دفاع نمود و هر گونه عقب نشینی از جایگاه عقیدتی خود را منتفی اعلام کرد.

فریدریک سوم برای خنثی کردن توطئه‌های احتمالی علیه لوتر، مخفیانه در راه بازگشت از وُرمز (Worms)، دستور ربودن وی را صادر کرد. لوتر، به مدت ده ماه در وارنبورگ (Wartburg) با نام مستعار زندگی می‌کرد. در این فرصت، مارتین لوتر ترجمه "عهد جدید" را آغاز نمود و این کار را در مدت کوتاه یازده ماه به پایان رساند (از ماه مه ۱۵۲۱ تا مارس ۱۵۲۲ میلادی) در سال ۱۵۲۵ میلادی هم زمان با انقلاب دهقانی در آلمان، جنبش اومانیسم مسیحیان و نظرات آزادی خواهی در عمل اراسموس فن روتردام (Erasmus von Rotterdam)، همچنین جنبش تجدّد خواهی که همگی از پشتیبانان لوتر بودند، مورد انتقاد وی قرار گرفتند و بدین ترتیب لوتر خط تمایزی بین خود و دیگران ترسیم نمود.

در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۵۲۵ میلادی، لوتر با کاترینا ون بورا (Katharina von Bora) ازدواج و طی زندگی مشترک خود دارای سه پسر و سه دختر شدند.

سالهای اوّل اصلاحات صرف استحکام پایه‌های داخلی جنبش شد که در این راه لوتر از کمکهای فلیپ ملانشتون بهره‌مند گردید. در این مقوله می‌توان از تغییر مراسم شکرگزاری، برقراری روابط اداری و بازرسی سایر مناطق تحت پوشش نام برد. در همین فاصله مارتین لوتر ترجمه کتاب مقدس و ساختن بسیاری از اشعار مذهبی را به پایان رساند. مارتین لوتر در اثر بیماری قلبی که از مدتها پیش آزارش می‌داد در همان شهر درگذشت. جسد وی به ویتنبرگ منتقل و در تاریخ ۲۲ ژوئیه ۱۵۴۶ میلادی در کلیسای بزرگ شهر به خاک سپرده شد.

مارتین لوتر معتقد بود "هیچ بنده‌ای از دیگران به خدا نزدیک‌تر نیست و احدی حق ندارد خود را نماینده خداوند بر روی زمین بداند."

لوتر از هفت اصل عبادتی در کلیسای کاتولیک فقط دو اصل آن یعنی غسل تعمید و عشای ربّانی را قبول داشت. وی معتقد بود که تنها آن دو در کتاب مقدّس تأیید شده است. در آیین عشای ربّانی تبدیل عنصر نان و شراب به جسم و خون مسیح، را تقریباً پذیرفت و در همین موضوع با زوینگلی (Zwingli)، دیگر بنیادگرای سوئیسی مناقشه سختی داشت که حضور مسیح را نمادین می‌دانست. لوتر بر حضور واقعی بدن و خون مسیح در نان و شراب تقدیس شده اصرار داشت، که آن را اتحاد مقدّس نامید، در حالی که مخالفان او معتقد بودند که خدا فقط از نظر روحانی یا نمادین حضور دارد. زوینگلی توانایی عیسی را برای حضور در بیش از یک مکان در یک زمان انکار کرد. لوتر بر وجود همه جانبه طبیعت انسانی عیسی تأکید کرد. بر اساس رونوشتها، بحث گاهی اوقات به ضدّیت تبدیل می‌شد. زوینگلی با استناد به سخنان عیسی "اما از جسد هیچ فایده‌ای نیست" (یوحنا ۶ : ۶۳) به لوتر گفت: "این قسمت گردن شما را می‌شکند". لوتر پاسخ داد: "خیلی مغرور نباش، گردن آلمانی‌ها به این راحتی نمی‌شکنند. این جا هسه (هسن) است، نه سوئیس".

لوتر همچنین به کشیش بودن همهٔ ایمانداران اعتقاد داشت. وی که هم عصر با نیکلاس کوپرنیک (Nicolaus Copernicus) ستاره شناس لهستانی بود پس از با خبر شدن از نظریهٔ خورشید مرکزی وی با آن شدیداً مخالفت کرد.

لوتر ابتکار ایجاد آوازه‌های کلیسای پروتستان را به دست گرفت. وی توجه خود را به مزامیر داوود و سرودهای قرون وسطی معطوف کرد و با ترجمه و تغییراتی در نظمشان به آنها سر و سامان داد. ارج نهادن لوتر به هنر موسیقی در کلیسای پروتستان و اثبات اهمیت آن از نظر شرعی (بر خلاف نظریه زوینگلی و کالوین)، نقطهٔ عطفی در موسیقی کلیسایی محسوب می‌گردد که تا به امروز جایگاه خود را حفظ نموده است.

اختلاف اساسی پروتستان‌ها با کاتولیک‌ها را در سه موضوع مهم می‌توان خلاصه کرد:

۱. تعریف ایمان
۲. خصایص باطنی، عقیده دینی
۳. آیین و رسوم ظاهری مذهب

(۱) کلیسای کاتولیک، خود را یگانه حافظ و قاضی حقیقتی که در کتاب مقدس مسطور است و توسط سنت حفظ شده و شورای عالی پاپ‌ها آن را تأیید کرده، می‌داند. برعکس، پروتستان‌ها مقیاس ایمان را کتاب مقدس می‌دانند ولی عقل فردی را مفسر آن می‌شمارند و می‌گویند در اموری که مربوط به اوامر خدای تعالی و موجب نجات است هر کس مسئول خویشتن است.

(۲) در اعتقادات مذهبی بزرگ‌ترین اختلاف کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها مسئله گناه است. کاتولیک‌ها معتقدند که نجات به وسیله قربانیها و فدیها شامل حال همه کس خواهد شد و هیچ کسی محروم نخواهد شد ولی پروتستان‌ها و به خصوص کالوینیست‌ها مسئله گناهان آدم را اصلی و مقدّر می‌دانند و می‌گویند عقیده به عفو و لطف الهی موجب آن می‌شود که آدمی از عذاب دوزخ فرار کند. دیگر این که تعداد مراسم آنها محدود به غسل تعمید و عشای ربّانی شده است

(۳) از نظر رسوم دینی مراجع مذهبی (کشیشان پروتستان) هستند و کلیساهای پروتستان در ممالک مختلف، مستقل از یک دیگرند.

جنگ دهقانان آلمانی در سال ۱۵۲۴ میلادی به دلایل اقتصادی و مذهبی در بخشهای وسیعی از تورینگن (Thüringen)، ساکسونی (Saxony) و جنوب آلمان، به ویژه فرانکونیا (Franconia) آغاز شد. در این راستا، کشاورزان ابتدا مطالباتی دوازده‌گانه مطرح کردند که فرمول اولیه حقوق بشر در نظر گرفته می‌شود. با این ۱۲ ماده، شورشیان اهداف یکسانی را برای خود تعیین کردند که از اعاده حقوق مرسوم آنها تا حقوق

اساسی دموکراتیک را در بر می‌گرفت. آنها از "قانون الهی" و اصل کتاب مقدس لوتر (Sola Scriptura) استفاده کردند. آنها نیز مانند او موافقت کردند که به محض این که اشتباه‌شان از کتاب مقدس ثابت شود، خواسته‌های خود را کنار بگذارند.

اشراف علاقه‌ای به تغییر شرایط زندگی کشاورزان نداشتند زیرا با این کار به ناچار امتیازات و مزایای خود را محدود می‌کردند. روحانیون نیز به همان اندازه با هر تغییری مخالف بودند: کاتولیک‌ها سیستم فئودالی را داشتند و به سختی صومعه‌ای بدون روستاهای مرتبط وجود داشت. کلیسا درآمد خود را عمدتاً از کمکهای مالی، عشریه به دست می‌آورد.

لوتر خودش را از این دوازده اصل کنار کشید چون در دید او آنها به اشتباه آن را بر بنای کتاب مقدس گذاشته بودند. او در سفرش به ایزلین در می ۱۵۲۵ میلادی دربارهٔ اشتیاق مسیحی به رنج کشیدن سخن گفت و باعث خشم حضار شد. در این جا دیگر کشاورزان تحت تأثیر آموزهٔ توماس مونتر (Thomas Müntzer) از برابری انسانها قرار گرفته بودند.

هنگامی که لوتر در سفر به تورینگن با وضعیّت نابسامان و گسترده‌ای از خشونت و تخریب روبرو شد، از جمله سوزاندن صومعه‌ها، کاخهای اسقفان، و کتابخانه‌ها، خشمگین شد. در اثر خود بر ضد دسته‌های قاتل و دزد دهقانان، که پس از بازگشت به ویتنبرگ نوشت، برداشت خود را از تعالیم انجیل درباره ثروت بیان کرد، خشونت‌های دهقانان را کار شیطان دانست و از اشراف خواست تا شورشیان را مانند سگهای هار سرکوب کنند. او مونتر را "شیطان اعظم مولهاوزن (Mühlhausen)" خواند و به شدت خواستار سرکوب دهقانان شد.

لوتر جزوه‌ای به نام "در برابر انبوهی از دهقانان قاتل و دزد" نوشت و در آن تمامی شاهدگان صرف نظر از فرقه‌شان فرا خواند تا با تمامی قدرت دهقانان را بکوبند. مونتر نیز سر دستهٔ شیطان خوانده شد. کشاورزان تورینگن در نبرد فرانکهاوزن به طرز فجیعی شکست خوردند و کشته شدند. در ۱۵ می ۱۵۲۵ میلادی، شورش دهقانان در نبرد فرانکنهاوزن (Frankenhausen) توسط نیروهای فیلیپ هسه (Philipp von

(Hessen) و شاهزادگان دیگر سرکوب شد و مونتر چند روز بعد دستگیر و سر بریده شد. لوتر بعدها دوست داشت در موعظه‌ها از مونتر به عنوان دشمن اصلی الهیات خود یاد کند: "من مونتر را کشتم، مرگ او بر گردن من است. اما من این کار را انجام دادم زیرا او می‌خواست مسیح من را بکشد." مارتین لوتر در واکنش به شکایات دهقانان که در قالب دوازده ماده بیان شده بود، با برخی از اعتراضات آن‌ها ابراز همدردی کرد و این موضوع را در نوشته خود در ماه می همان سال نشان داد. با این حال، او تأکید کرد که دهقانان باید از مقامات دنیوی و حکومتی اطاعت کنند.

یکی از دلایلی که لوتر اصرار کرد که مقامات سکولار شورش دهقانان را سرکوب کنند به دلیل تعلیم پولس بود که در مورد آموزه حق پادشاه در رومیان ۱۳ : ۱ - ۷ است.

لوتر در نوشته‌های اولیه خود از تساهل در برابر انحراف مواضع مذهبی حمایت می‌کرد. او در سال ۱۵۲۴ میلادی نوشت که با بدعت‌گذاران باید با نوشتن برخورد کرد نه با آتش. او با این جنبش مخالف بود اما همچنین از آزار و اذیتی که علیه جنبش آنابپتیست آغاز شده بود انتقاد کرد. او می‌نویسد که: "درست نیست و واقعاً متأسف است که چنین افراد بد بختی به این شکل فلاکت‌بار به قتل می‌رسند، سوزانده می‌شوند و به طرز وحشتناکی کشته می‌شوند ... باید اجازه داد هر کس هر چه می‌خواهد باور کند. اگر ایمان نادرست داشته باشد، مجازات کافی در آتش جاودان خواهد داشت."

اما از سال ۱۵۳۰ میلادی به بعد، لوتر دیگر نمی‌خواست مجازات اعدام را برای آنابپتیست‌ها رد کند. این تغییر ممکن است به دلیل تأثیر ملانشتون و فرمان آنابپتیست باشد. در سال ۱۵۳۱ میلادی، لوتر و ملانشتون سرانجام گزارشی را امضا کردند که صریحاً از مجازات اعدام برای آنابپتیست‌ها حمایت می‌کرد. لوتر اکنون آنابپتیست‌ها را عمدتاً به شکل شورشی و کافر می‌دید. برای لوتر، جلسات آنابپتیست‌ها، که در نتیجه آزار و اذیت فزاینده مخفیانه برگزار می‌شد، "نشانه مطمئنی از شیطان" بود.

مارتین لوتر نوشته‌های زیادی در مورد یهودیان دارد و بعضی کتابهای او مستقیماً در مورد آنان است. مارتین لوتر در آغاز کار خود ظاهراً با مقاومت یهودیان در برابر کلیسای

کاتولیک موافق بود. در سال ۱۵۲۳ میلادی، لوتر کاتولیک‌ها را متهم کرد که نسبت به یهودیان بی‌انصافی می‌کنند و با آنها "همچون سگها" رفتار می‌کنند، بنابراین تغییر کیش برای یهودیان دشوار می‌شود. او نوشت: "من درخواست می‌کنم و توصیه می‌کنم که با آنها (یهودیان) با ملایمت برخورد کنید. اگر واقعاً می‌خواهیم به آنها کمک کنیم، باید در برخورد با آنها نه با شریعت پایی، بلکه بر اساس قانون محبت مسیحی هدایت شویم. ما باید آنها را صمیمانه بپذیریم، و به آنها اجازه دهیم که با ما تجارت و کار کنند، تعالیم مسیحی ما را بشنوند، و شاهد زندگی مسیحی ما باشند. اگر برخی از آنها باید گردنکش بودنشان را ثابت کنند، چه می‌شود؟ بالاخره ما خودمان هم مسیحی خوبی نیستیم."

با این حال، او انتظار داشت که یهودیان به مسیحیت خالص او روی آورند. وقتی آنها این کار را نکردند، به خشونت علیه آنها روی آورد.

لوتر در طول زندگی حرفه‌ای خود از زبانهای خشونت آمیز و مبتذل استفاده می‌کرد. در حالی که ما انتظار نداریم شخصیت‌های مذهبی از این نوع زبان در دنیای مدرن استفاده کنند که البته در اوایل قرن شانزدهم غیر معمول نبود.

در زیر گزیده‌های کوچکی از کار لوتر با عنوان "یهودیان و دروغهایشان" آورده شده است:

"تصمیم خود را گرفته بودم که دیگر در مورد یهودیان و حتی علیه آنها چیزی ننویسم. اما از آن جایی که فهمیدم این بد بختان و ملعونان نه فقط خودشان بلکه همچنان در پی فریب ما مسیحیان هستند، این کتاب کوچک را منتشر کرده‌ام، تا بتوانم جزو آنانی باشم که به فعالیت‌های سمی یهودیان مخالفت کرده و مسیحیان را به احتیاط در برابر آنها هشدار دهم. من باور نمی‌کردم که یک مسیحی توسط یهودیان فریب بخورد تا تبعید و بدبختی آنها را به گردن بگیرد. اما شیطان خدای جهان است و هر جا که کلام خدا غایب باشد، نه تنها با ضعیفان، بلکه با قویها نیز کار آسان است. آمین که خدا به ما کمک کند. آمین."

"در متی ۳ : ۷ او آنها را فرزندان ابراهیم نخواند، بلکه آنها را فرزندان افعی نامید اوه، این برای خون نجیب و نژاد اسرائیل بسیار توهین آمیز بود، و آنها گفتند که "او دیو دارد" (متی ۱۱ : ۱۸). خداوند ما نیز آنها را "افعی زادگان" می نامد. علاوه بر این، در یوحنا ۸ : ۳۹ - ۴۴ او می گوید: اگر اولاد ابراهیم بودید، اعمال ابراهیم را به جا می آوردید ... لیکن شما از پدرتان شیطان هستید. شنیدن این موضوع برای آنها غیر قابل تحمل بود که می شنوند نه فرزند ابراهیم، بلکه فرزندان شیطان هستند و امروز نیز آنها تحمل شنیدن این حرف را ندارند."

"این را بیاموز مسیحی عزیز، چه می شود اگر به یهودیان نابینا اجازه بدهی که تو را گمراه کنند؛ آنگاه این ضرب المثل واقعاً صدق می کند که: "آیا می تواند کور، کور را راهنمایی کند؟ آیا هر دو در حفرةای نمی افتند؟ (لوقا ۶ : ۳۹) شما نمی توانید از آنها چیزی بیاموزید، جز این که چگونه احکام الهی را نادرست درک کنید."

"من آرزو می کنم و می خواهم که حاکمان ما که رعایای یهودی دارند، همان طور که در بالا پیشنهاد شده، لطف تند و تیز خود را نسبت به این مردم بد بخت نشان دهند تا ببینند که آیا ممکن است که باز هم این کمکی نکند (هر چند مشکوک باشد). آنها باید مانند یک پزشک خوب عمل کنند که وقتی قانقاریا شروع می شود، بدون رحم اقدام به بریدن، ارّه کردن و سوزاندن گوشت، رگ، استخوان و مغز می کند. در این مورد نیز چنین رویه ای باید رعایت شود. کنیسه های آنها را بسوزانید، همه آن چه را که قبلاً برشمرده منع کنید، آنها را مجبور به کار کنید و با آنها سخت و تند رفتار کنید، همان طور که موسی در بیابان این گونه عمل کرد و سه هزار نفر را کشت تا مبادا همه مردم هلاک شوند. آنها قطعاً نمی دانند چه می کنند؛ علاوه بر این، همچون اشخاصی تسخیر شده، نمی خواهند این را بدانند، بشنوند یا یاد بگیرند. پس در این جا مهربانی و تأیید رفتار آنها اشتباه است. اگر این کار فایده ای نکرده، آنگاه باید آنها را مانند سگهای دیوانه بیرون بکشیم تا شریک کفر شنیع و سایر زشتیهایشان نباشیم و مستحق غضب خدا نشویم و با آنها ملعون نگردیم. من وظیفه ام را انجام داده ام. حالا بگذار همه نگاه کنند. من تبرئه شدم."

از سال ۱۹۸۰ کلیساهای لوتران بسیاری از کتابهای مارتین لوتر را حذف کرده و از نوشته‌های او، به خصوص در مورد یهودیان، استفاده نمی‌کنند.

تحقیق، ترجمه و تألیف: زوفا رایان

شما می‌توانید جهت آشنایی بیشتر با مشاهیر تاریخ کلیسا، از وب سایت رسمی کلیسای خداوند عیسی مسیح به نشانی www.persian-ljc.com دیدن فرمایید.

منابع:

Whitford, D. M. (n.d.). Martin Luther (1483–1546). *The Internet Encyclopedia of Philosophy*. Retrieved November 20, 2024, from <https://iep.utm.edu/luther/>

Hillerbrand, H. J. (2024, November 6). Martin Luther. *Encyclopedia Britannica*. Retrieved November 20, 2024, from <https://www.britannica.com/biography/Martin-Luther>

Martin Luther. (2024, November 15). In *Wikipedia*. Retrieved November 19, 2024, from https://de.wikipedia.org/wiki/Martin_Luther

Gritsch, E. W. (1993). Was Luther anti-Semitic? *Christian History*, 39. Retrieved November 20, 2024, from <https://christianhistoryinstitute.org/magazine/article/was-luther-anti-semitic>

Juridical procedures relating to the Anabaptists. (2017, January 15). *Global Anabaptist Mennonite Encyclopedia Online*

https://gameo.org/index.php?title=Juridical_Procedures_Relating_to_the_Anabaptists

Luther, Martin (1483–1546). (2021, July 20). *Global Anabaptist Mennonite Encyclopedia Online*

[https://gameo.org/index.php?title=Luther,_Martin_\(1483-1546\)](https://gameo.org/index.php?title=Luther,_Martin_(1483-1546))

Armstrong, D. (2016, February 3). Luther favored the death penalty for Anabaptists. *Patheos*. Last updated November 20, 2021

<https://www.patheos.com/blogs/davearmstrong/2016/02/luther-favored-death-penalty-for-anabaptists.html>

Schwaetzer, I. (2015, November 11). Martin Luther and the Jews: A necessary reminder on the occasion of the Reformation anniversary. *Evangelical Church in Germany (EKD)*. Retrieved from

<https://www.ekd.de/en/Martin-Luther-and-the-Jews-272.htm>

Martin Luther and antisemitism. (2024, November 10). In *Wikipedia*. Retrieved from

https://en.wikipedia.org/wiki/Martin_Luther_and_antisemitism

Anti-Semitism: Martin Luther – "The Jews and Their Lies." (1543). *Internet Medieval Sourcebook*. From *Luther's Works, Volume 47: The Christian in Society IV* (pp. 268–293). Philadelphia: Fortress Press, 1971. *Jewish Virtual Library*. Retrieved from

<https://www.jewishvirtuallibrary.org/martin-luther-quot-the-jews-and-their-lies-quot>